ملاحظات پیاده سازی مالیات‌های اسلامی

سید ضیاءالدین کیاءالحسینی[1]

تاریخ دریافت : ۱۳۹۰/۶/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۲۸

چکیده

در زمان حاضر لزوم پرداخت انواع مالیات‌ها به همراه وجوب پرداخت حقوق مالی- دینی و ارتباط آنها با یکدیگر، از مسائلی است که نظامات مالیاتی و نهادهای دینی و همچنین مردم با آن مواجه هستند و طبیعتاً این ارتباط ابهاماتی را برای هر یک از سه ضلع فوق‌الذکر ایجاد نموده که حل آن ضرورتی علمی و اجرائی است. بنابراین جستجوی راه‌حل‌های مناسب جهت سامان‌دهی این ارتباط موجب افزایش کارآیی پرداخت‌های مالی مردم می‌شود. این سامان‌دهی باید با ملاحظاتی در زمینه‌های مختلف همراه باشد. نوشتار حاضر بعضی از ملاحظات جهت اجرائی نمودن مالیات‌های دینی را احصاء نموده و ساز و کار تأثیرگذاری آنها را در کشور مورد بررسی قرار داده است. در مجموع ۱۸ محور برای ملاحظات پیاده‌سازی مالیات‌های اسلامی احصاء شد. سپس با نظرخواهی از محققان و مدرسان اقتصاد اسلامی به رتبه‌بندی این محدودیت‌ها پرداخته شد. نتایج نظرخواهی حاکی از آن است که استقلال حوزه‌های علمیه از بالاترین درجهٔ اهمیت، و محدودیت‌ها(ملاحظات) فقهی از کم‌ترین امتیاز برخوردارند. عدم وجود قوانین منسجم در جهت پیوند بین قوانین مالیاتی کشور و مالیات‌های اسلامی و عدم ساختار مناسب از مهم‌ترین ملاحظات برای اجرایی نمودن مالیات‌های اسلامی است. همچنین تمرکز مالیات‌های اسلامی- بالاخص خمس- و اختیار نظام اجرائی کشور هم استقلال حوزه‌های علمیه را تهدید می‌کند و هم با ملاحظات و محدودیت‌هایی مثل عدم تقارن اطلاعات بین مؤدیان و نهادهای دریافت-کننده، عبادی بودن خمس و زکات، تعدد فتاوی همراه است.

واژه‌های کلیدی: زکات، خمس، مالیات، محدودیت فقهی، محدودیت تقنینی، محدودیت اجرایی و محدودیت ساختاری.

۱- عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه مفید sziakia@gmail.com, kiaalhoseini@mofidu.ac.ir

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

۱- مقدمه

امروزه یکی از دغدغه‌های مؤدیان مالیاتی در کشور، پرداخت دو نوع مالیات به دو نظام مالیاتی است. گرچه پرداخت دو نوع مالیات موضوعی قدیمی بوده و از زمان ورود اسلام به ایران و گرویدن مردم آن به اسلام مطرح شده است لکن درجه مشروعیت دینی و مردمی حاکمیت در تبیین مسأله، نقش اساسی داشته است. مثلاً بعد از سقوط ساسانیان زمین‌های مزروعی در ایرانِ آن زمان یا مشمول احکام اراضی مفتوحه‌العنوه و یا اراضی صلح می‌شدند. گرچه شمول احکام انفال نیز برای بعضی موارد قابل تصور است. همچنین در بسیاری از برهه‌های زمان و در زمان قبل از انقلاب به دلیل عدم مشروعیت دینی و مردمی حکومت و همچنین فتاوای مراجع وقت، پرداخت اکثر انواع مالیات‌های متعارف به دولت به دلیل تقویت نظام حاکم، حرام و فرار از آن مجاز بوده و اخذ مالیات از جانب دولت مصداق ظلم بوده و نوعی باج‌ستانی تلقی می‌شد. مضافاً اینکه حاکمیت نیز در حوزه مالیات‌های دینی هیچ دخالتی نداشته و مردم نیز حقوق واجب دینی‌شان که عمدتاً زکات و خمس بود را بر اساس فتاوی مراجع عظام تقلید محاسبه، پرداخت و به روش‌های سنتی توزیع می‌کردند. با پیروزی انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی که با رأی اکثریت مردم تأسیس شد، از یک طرف پرداخت مالیات‌های متعارف ظلم تلقی نشده و از طرف دیگر به دلیل انتساب آن به اسلام و همچنین تقید دستگاه‌های تقنینی و اجرائی به تصویب و اجرای قوانین اسلامی، سبب شد تا سؤالات و ابهاماتی در مورد ارتباط بین این دو صنف از مالیات‌ها در اذهان شکل گیرد. سؤالاتی مثل اینکه آیا مالیات متعارف در تعارض با ادله مالکیت خصوصی نیست؟ آیا نظام اجرایی می‌تواند بخشی از اموال شهروندان را از مالکیت افراد خارج نماید؟ آیا مالیات از احکام اولیه اسلام است یا از احکام ثانویه؟ همچنین آیا افرادی که وجوه شرعی بالاخص خمس را پرداخت می‌کنند باید مالیات متعارف را نیز پرداخت نمایند؟ آیا پرداخت مالیات‌های دینی کافی از مالیات‌های متعارف نیست؟ در تعارض بین مالیات‌های متعارف و دینی کدام یک در پرداخت مقدمند؟ با وجود مالکیت نظام یا حاکم اسلامی بر بعضی از اموال و ثروت‌های عمومی، این سؤالات و ابهامات پررنگ‌تر می‌شود. مثلاً با وجود برخورداری دولت از انفال و درآمد آن برای تأمین هزینه‌های عمومی، آیا مردم موظف به پرداخت مالیات‌های متعارف هستند؟ این نمونه سؤالات و مطالبات سبب شد تا از اوّل انقلاب تا به حال نظام مالیاتی در سامان‌دهی مسئولیت‌های خود با چالش‌هائی مواجه باشد. مضافاً اینکه به دلیل دور شدن از دوران نزول وحی و معصومین(ع) و حکومت‌های با صبغه دینی، بعضی ابهامات در انطباق نظام مالیاتی با مالیات‌های متعارف شکل گرفت. مثلاً با وجود نظام سیاسی با انتساب به دین و حاکمیتی مبتنی بر

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

فقه شیعه آیا باید واجبات مالی را نیز به حاکم سیاسی سپرد؟ آیا این مهم یک امری حکومتی است یا فرعی فقهی؟ در جمیع یا بسیاری از این موارد، در تعارض بین قوانین حکومتی(مادام که حاکی از حکم حاکم دینی نباشد) و فتوای فقیه، کدام یک لازم‌الاجرا و متّبع است؟ لذا پرداختن به این سؤالات و جستجوی جوابی مناسب برای آن از ضروری‌ترین موضوعات تحقیقی سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط به منظور افزایش کارآئی نظام مالیاتی کشور و هدایت مالیات‌های دینی است.

هدف این مقاله در ابتداء تبیین نظری محدودیت‌های اجرائی پرداخت‌های مذهبی لازم‌الاداءِ[1] عام (زکات و خمس) است که در این مرحله، تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و مبتنی بر منابع تفسیری، فقهی، تاریخی و بررسی قانون مالیات‌های مستقیم کشور و قوانین زکات کشورهای اسلامی است. سپس به منظور رتبه‌بندی هر یک از این محدودیت‌ها و ارائه راهکارهای مناسب، با استفاده از نظرسنجی و با ارسال پرسش‌نامه به محققان و مدرسان اقتصاد اسلامی در سراسر کشور مبادرت خواهیم ورزید.

۲- ملاحظات فقهی

مرور ادوار فقه بالاخص صدر اول اسلام نشان می‌دهد که اختلاف نظرهای فراوانی در جزئیات احکام فقهی مربوط به پرداخت‌های مردم به طور عام وجود دارد. صرف نظر از علل آن، امامان و فقهاءِ هر یک از مذاهب اسلامی مخصوصاً مذاهب خمسه به مناسبت‌های گوناگون به تشریح و تبیین احکام آن پرداخته‌اند که در جوامع فقهی ذکر شده است. بعضی از این ملاحظات(محدودیت‌ها) به نوع مالکیت نهادها و افراد بر اموال برمی‌گردد. بر اساس ادله فقهی مالکیت موارد زیر بر عهده حاکم و نظام اسلامی است:

۱. انفال: که شامل ثروت‌های متنوّع طبیعی است. ملکیت یا حداقل تصرف آن در اختیار حاکم و دولت اسلامی قرار دارد. این قسم شامل جنگل‌ها، سواحل دریا، آب‌ها، اراضی موات، مناطق متروک، معادن، دره‌ها، کوه‌ها، و اموالی که وارث مشخّصی ندارند، است. دولت مجاز به تصرّف با رعایت مصالح

---

۱ – به نظر می‌رسد به دلیل عدم انطباق کامل تعریف مالیات‌های متعارف بر زکات و خمس، می‌توان از اصطلاح پرداخت‌های مذهبی لازم‌الاداء برای اطلاق بر زکات و خمس استفاده نمود. زیرا از طرف دیگر پرداخت‌های مذهبی یا به صورت لازم و واجب و یا به صورت مستحب هستند. همچنین در هر یک از دو صورت فوق یا همه مکلفین ملزم به پرداخت آن هستند و یا عده‌ای تحت شرایط خاص مکلف به آن هستند. زکات و خمس از نوع اول و کفارات از نوع دوّمند لذا می‌توان این اصطلاح را برای خمس و زکات پیشنهاد کرد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

عمومی است. ملاحظه می‌شود که انفال بخش مهمّی از منابع طبیعی را شامل می‌شود و تمام آن در ملکیت بخش عمومی است؛

۲. خراج: مال‌الاجاره زمین‌های عمومی که از طرف دولت اسلامی در اختیار بخش خصوصی قرارداده شده است[۱]. پیش از اسلام، خراج مالیاتی بود که صاحبان زمین به دولت می‌پرداختند و پرداخت آن باعث افزایش هزینهٔ تولید می‌شد ولی در نظام اسلامی، خراج را کسانی می‌پرداختند که صاحب زمین نبودند و خراج نوعی اجارهٔ زمین تلقی شده و نمی‌توان آن را هزینهٔ اضافی دانست. در آن زمان سالانه ده‌ها میلیون درهم همراه با مقادیر معتنابهی اجناس گوناگون به صورت خراج به بیت‌المال واریز و برای مصارف عمومی صرف می‌شد(کاتبی، ۱۹۹۴م.؛ ریس، ۱۳۷۳؛ زراءنژاد، ۱۳۶۹؛ رضایی و دیگران، ۱۳۷۹). نرخ خراج نیز بر حسب وضعیت زمین، نوع محصول و وضعیت اقتصادی جامعه تعیین می‌شد. نرخ مقاسمه (سهم محصول) را از $\frac{۱}{۱۰}$ تا $\frac{۱}{۲}$ نوشته‌اند یا از هر جریب بر حسب نوع محصول از ۱ تا ۲ درهم خراج می‌ستاندند. امیرمؤمنان(ع) مقدار خراج را بر حسب کیفیت محصول، نوع محصول، کیفیت آبیاری و ویژگی‌های زمین متغیر کرد(الدجیلی:۴۱۰). مقدار خراج بر حسب محصول و نوع زمین و هزینه آبیاری و... متفاوت می‌شد.

---

[۱] – با فتح زمین‌های افراد غیرمسلمان و الحاق آن به سرزمین‌های اسلامی، ملکیت آن دچار تغییر شد. زمین‌های الحاقی چند قسم بودند:

۲–زمین‌هایی که اهالی آنها با رغبت اسلام آوردند و ملکیت آن‌ها در دست مالکانشان باقی ماند.

۳–زمین‌هایی که با پیروزی در جنگ به دست مسلمانان افتاد و به ملکیت آنان درآمد.

۴–زمین‌هایی که ساکنان آن‌ها بدون جنگ، حاضر به صلح شدند و طبق معاهده زمین، به ملکیت مسلمانان درآمد و می‌بایست به دولت در ازای استفاده از زمین‌ها خراج می‌دادند یا زمین‌ها در ملکیت صاحبان اولیه باقی می‌ماند؛ ولی می‌بایست به دولت خراج می‌پرداختند.

۵– زمین‌هایی که اهالی آن بدون جنگ زمین را رها کردند یا به دولت اسلامی سپردند یا اهالی آن منقرض شدند. این نوع زمین‌ها در تملّک حاکم اسلامی در می‌آید. زمین‌های نوع اول را اراضی طوع و نوع دوم را اراضی مفتوحهٔ العنوه و نوع سوم را اراضی صلح و نوع چهارم را فیء و انفال می‌نامند؛ دولت اسلامی در ازای در اختیار نهادن زمین‌های مفتوحهٔ العنوه و صلحی و فیء به افراد، از آن‌ها خراج می‌گرفت؛ البته گاه مقدار خراج معادل جزیه بود و در صورت مسلمان شدن اهالی، خراج قطع می‌شد و می‌بایست زکات می‌پرداخت(دراسات فی ولایهٔ الفقیه و فقه الدولهٔ الاسلامیهٔ، ج۳، ۴۸۸ ـ ۴۹۳).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

۳ . درآمد گمرکی ناشی از وضع عوارض گوناگون بر واردات کالا که در صدر اول بخشی از آن عشور نامیده می‌شد. عشور در فقه اسلامی به اموالی اطلاق می‌شد که از غیرمسلمانان برای ورود کالاهای تجاری به کشور گرفته می‌شد، هرچند مقدار آن کمتر از $\frac{۱}{۱۰}$ ارزش آن باشد. ادله موجود دلالت می‌کند که باتوجه به مصلحت جامعه و حمایت از بازار داخلی و نفوذ قوانین و مقررات، حاکم می‌توانست در مورد ورود و خروج کالای تجاری مقررات خاص وضع کند و براساس نوع برخورد غیرمسلمانان با مسلمانان و شرایط خاص مالیات بر ورود کالا قرار دهد[۱].

در نقطه مقابل مالکیت بقیه موارد برای مردم است که به دو صورت خصوصی و عمومی متصور است. مالکیت عمومی یا مباحات عامه، بخشی از اموال عمومی است که در ملکیت مشاعی همه مردم با هویت واحد(مثل شهروندی، اسلام یا ...) می‌باشد و همه بر اساس حقوق تعیین شده حق استفاده از آن را دارند لکن از آنجا که به دلیل مالکیت عمومی و هزینه نهائی نزدیک به صفر، در صورت ازدحام درمعرض نابودی قرار می‌گیرد، دولت یا به نحو مستقل و یا به وکالت از مردم و با رعایت قاعدهٔ لاضرر، قاعدهٔ عدالت، اصل انصاف، نفع اجتماعی، رفاه عمومی و حفظ نظم، مصلحت جامعه را تشخیص داده، محدودهٔ استفاده از آن را معیّن ساخته و مدیریت کارا و مناسب را اجرا می‌کند. پرندگان، آبهای سطحی، ماهیان و جواهرات دریایی، بهره‌گیری از معادن روی زمین، چوب جنگلی از آن دسته‌اند(صدر، ۱۴۱۷ق.). اما ملکیت خصوصی وسیع‌ترین نوع مالکیت در اسلام است که شامل همه اموال غیر از موارد فوق‌الذکر می‌باشد. لکن با تحقق شرایط حقوقی مالی بر افراد واجب و لازم می‌شود که فرد باید پرداخت نماید این حقوق گاهی به حکم شرعی بر مکلف واجب است که زکات و خمس از این نوعند و گاهی به حکم حکومتی لازم می‌شود که پرداخت آن منوط به وجود حکومت اسلامی است خراج و جزیه از این نوعند.

۳- زکات و علل تشریع آن

در اسلام با تحقق شرایط، بعضی از حقوق مالی بر صاحبان اموال لازم می‌شود که زکات یکی از آنها

۱- در دوره بنی‌امیه و بنی‌عباس سازمان ویژه‌ای برای انجام این امور درنظر گرفته شد و افرادی خاص به نام عشّار این وظیفه را انجام می‌دادند. عشار گاه به افرادی که زکات می‌گرفتند نیز اطلاق شده و به علت رفتارهای ظالمانه آنها در احادیث مورد مذمت قرارگرفته‌اند(نهج‌البلاغه، حکمت۱۰۴، بحارالانوار، ج۷۵، ص۳۴۲ و ۳۴۳). برخورد ظالمانه و زیاده‌روی در مقدار و کیفیت اخذ مالیات و صدقات و یا وضع مالیات‌های غیرصحیح از عوامل مذمت شدید نسبت به عشاران است، ولی همانطور که گفته شد دولت اسلامی می‌تواند بر ورود کالا عوارضی وضع کند(دراسات فی ولایهٔ الفقیه و فقه الدولهٔ الاسلامیهٔ، ج۴، ص۲۸۵).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

است. در قرآن ده‌ها بار به پرداخت زکات امر شده و یا پرداخت‌کنندگان را مورد مدح و ثناء قرار داده است[۱]. مهم‌ترین اهداف تشریع زکات که در متون اصلی دینی بدان تصریح شده عبارتند از:

الف) تأمین نیازهای نیازمندان. به دلیل اختصار در مطلب به چند روایت بسنده می‌کنیم. امام رضا (ع) می‌فرماید: « علت تشریع زکات تأمین قوت نیازمندان و حفظ اموال ثروتمندان است». همچنین از امام صادق(ع) وارد شده است که: « خداوند عزوجل برای مستمندان، حقی در اموال ثروتمندان مقرر کرد که نیاز آن را برآورده سازد. اگر این حق و مقرر در حد کفایت نبود بی‌تردید بر آن می‌افزود. تیره روزی مستمندان از خیانت ثروتمندان است که زکات خود را نمی‌پردازند»(وسائل الشیعه، ج۶:۶ –۴).

ب) تطهیر روح و تزکیه نفس. خداوند متعال می‌فرماید: خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا(سوره توبه: ۱۰۳).

ج) حفظ جان و اموال. روایات متعددی بر این امر تکیه و تأکید می‌کند. گویا زکات مال، مال را و زکات فطره جان را بیمه می‌کند. پیامبر(ص) می‌فرماید: « اموال خود را با زکات حفظ کنید» امام صادق (ع) می فرماید «هیچ مالی در خشکی و دریا نابود نشده مگر با نپرداختن زکات، پس اموال خود را با زکات حفظ کنید»(وسائل الشیعه، ج ۶: ۶). ظاهر روایات این است که حفظ اموال با پرداخت زکات علل معنوی دارد که برای بشر ناشناخته است؛

د) برکت در اموال. زکات علاوه بر حفظ مال موجب رشد آن می‌شود پیامبر(ص) می‌فرماید: « هرگاه بخواهی خداوند مالت را فراوان کند زکات آن را بپرداز» و امام باقر(ع) می‌فرماید: « زکات روزی را افزایش می‌دهد». امام صادق (ع) به مفضل می‌فرماید «ای مفضل به یاران بگو زکات را به اهل آن بدهند و من ضامن آنچه از دست آنها رفته است می‌باشم»(وسائل الشیعه، ج ۶: ۶). لازم به ذکر است که در صدر اول عمده زکات به بیت‌المال وارد و از آنجا به مصارف آن تخصیص می‌یافت. بر این اساس می‌توان بعضی از اهداف دیگر مثل منبع درآمد دولت و توازن اجتماعی را نیز به دیگر اهداف افزود.

۱– مانند: بقره، ۴۳، ۸۳، ۱۱۰، ۱۷۷ و ۲۷۷؛ نساء، ۱۶۲؛ مائده، ۱۲، ۵۵؛ توبه، ۵، ۱۱، ۱۸ و ۷۱؛ مریم، ۳۱ و۵۵. برای تفصیل به کتب تفسیرمراجعه شود.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

۴- اموال مورد تعلق زکات و مصارف آن

یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین مباحث در حوزه مالیات‌های دینی موارد تعلق زکات است زیرا از یک طرف مشهورِ قریب به اجماع فقهاء مکتب تشیع – مثل دوران نبوت – قائل به تعلق زکات بر ۹ چیز می‌باشند[۱] و در طرف مقابل فقهاء اهل سنت بر اساس نحله فکری خود که شاید صبغه سیاسی نیز داشته باشد، آن را به موارد بیشتری تعمیم دادند. اختلاف در این مسأله حتی در ادلّه فقهی دوران صادقین(ع) به چشم می‌خورد[۲]. موارد نه‌گانه تعلق زکات شامل غلات اربعه: گندم، جو، خرما و کشمش؛ انعام سه‌گانه: شتر، گاو و گوسفند و نقدین شامل طلا و نقره می‌باشد. در نقطه مقابل فقهاء اهل سنت موارد تعلق زکات را اینگونه برمی‌شمارند: محصولات زراعی و میوه‌جات؛ انعام سه‌گانه؛ طلا و نقره؛ سود تجارت و معدن و گنج(الجزیری، ۱۴۰۶ق.). گرچه در شرایط تعلق زکات بر این موارد نه‌گانه نیز اختلاف نظر بین فقهاء شیعه و اهل سنت به چشم می‌خورد بدین نحو که نقد رایج بودن طلا و نقره در نزد فقهاء شیعه و تعمیم آن به همه موارد در نزد اهل سنت و همچنین سائمه بودن احشام سه‌گانه در نزد شیعیان و تعمیم حکم به معلوفه بودن از جمله آن می‌باشد[۳]. ولی در نرخ‌های زکات اختلاف معنی‌داری بین مذاهب به چشم نمی‌خورد.

قرآن کریم در آیه ۶۰ سوره توبه (إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاء وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللّهِ وَاللّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ) به مصارف زکات تصریح نموده و این امر خود موجب کاهش اختلاف در فتاوای مذاهب اسلامی شده است، گرچه در بعضی موارد مثل تفسیر مؤلفه‌القلوب یا فی سبیل الله و شرط ایمان و عدالت در آخذین زکات تأملاتی وجود دارد ولی

۱- گرچه بعضی از فقهاء شیعه راه‌هائی را برای استنباط حکم تعمیم زکات ارائه کردند که در بعضی موارد از طریق حکم حاکم اسلامی و در بعضی موارد بدون در نظر گرفتن احکام حکومتی بلکه از طریق اجتهادات فقهی و تنقیح مناط احکام می‌باشد (دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة، ج۳، ص۲۵ـ۳۱، جعفری، محمد تقی، منابع فقه، ص۷۸-۸۷).

۲ – برای تفصیل مراجعه شود به الحلی، ۱۳۴۷ش، ص ۱۴۲؛ النجفی، ۱۳۹۲ق، ج۱۵، ص ۶۹- ۶۵؛ الطباطبائی الیزدی، ۱۳۹۷ق، ص۳۹۳؛ المنتظری، ۱۴۱۳ق، ج۱، ص ۶۸ - ۱۴۷ و الجزیری، ۱۴۰۶ق، ج۱، ص۵۹۶ الحلی، ۱۳۴۷ش، ص۱۴۲.

۳- برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به « زکات در قرآن و برآورد تابع آن در ایران»، سید ضیاءالدین کیاءالحسینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید، ۱۳۷۷.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

به حدی نیست که در سیاست‌گذاری مؤثر باشد. لازم به ذکر است که بعد نزول آیه وجوب زکات «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا»(سوره توبه:۱۰۳) در ماه رمضان سال هشتم پیامبر(ص) به همه خبر داد که زکات واجب شده است، سپس سال بعد عمال زکات را به اطراف فرستاد تا از افراد زکات بگیرند(وسائل الشیعه،ج ۶: ص ۳). لذا پیامبر(ص) نیز مأمورانی را برای برآورد مقدار محصول و وصول زکات به سراسر جزیره‌العرب گسیل داشتند که اسامی بعضی از این افراد در مستندات تاریخی ذکر شده است. پس از پیامبر و در زمان خلفاء پس از ایشان از جمله امیرمومنان(ع) این سیره ادامه داشت و حضرت افراد مختلفی را برای جمع‌آوری زکات فرستاده و به آنها دستورات مختلفی داده است(نهج البلاغه، نامه ۲۵). در روایات هم آمده است که امام مسلمین مأمور است تا زکات را به مصارف آن برساند(وسائل الشیعه، ج ۶: ۳و ۵). در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس که زکات از مسیر اصلی خارج شد و به مصارف حقیقی نمی‌رسید ائمه (ع) به یاران دستور دادند که در این شرایط زکات را خود به مصارف حقیقی برسانند، زیرا برای ائمه(ع) امکان جمع‌آوری زکات نبوده و حکومت‌ها هم زکات را به مصرف صحیح نمی‌رساندند. بنابراین بهترین راه، توزیع زکات توسط خود مؤدی بود و افرادی هم که از زکات استفاده می‌کردند تنها شیعیان بودند(وسائل الشیعه، ج ۶: ۳). ولی اگر رساندن زکات به امام(ع) و یا فقیه مستوجب محذوری نباشد، مرحوم مفید فتوی به وجوب رساندن زکات به امام در زمان حضور و به فقیه در عصر غیبت داده است(المقنعه:۲۵۲). البته اگر حاکم به پرداخت زکات به حکومت حکم نماید، بسیاری از فقهاء این حکم را لازم‌الاجراء می‌دانند(کتاب الزکاة:۳۵۶، جواهر الکلام، ج۱۵: ۴۲۱). صرف نظر از تعبدی بودن یا نبودن این حکم شاید بتوان گفت یکی از بهترین ملاک‌ها برای تمرکز مصارف زکات، کارائی و کاهش هزینه‌های جمع‌آوری و توزیع آن و همچنین توزیع عادلانه‌تر آن در بین پایین‌ترین طبقات درآمدی باشد.

۵- اموال مورد تعلق خمس و مصارف آن

از جمله واجبات مالی در اسلام خمس است که اولین بار برای تقسیم غنایم به‌دست آمده جنگ بدر با نزول آیه ۴۱ سوره انفال(وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَيْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ[۱]) واجب شد. فقهاء شیعه بر اساس استدلال ائمه(ع) موارد تعلق آن را به هفت مورد: ۱ـ غنائم جنگی؛ ۲ـ معدن؛ ۳ـ غوص؛ ۴ـ کنز؛ ۵ـ زمینی که کافر ذمی از مسلمانان می‌خرد؛ ۶ـ مال مخلوط به حرام؛ و ۷ـ ارباح مکاسب، تعمیم داده‌اند. این تعمیم تقریباً در بین فقهاء شیعه به دلیل وجود روایات ائمه(ع) اجماعی است. لکن فقهای عامه عموماً خمس را متعلق به غنائم جنگی و کنز دورهٔ جاهلی می‌دانند و فقط ابوحنیفه معدن را نیز متعلق خمس می‌داند. در زمان حاضر خمس ارباح مکاسب به دلیل عمومیت آن و تعلق بر درآمد پس از استثناء نمودن هزینه حسابداری تولید و همچنین هزینه مصرفی خانوار(مؤدّی)، می‌تواند در اقتصاد کاربرد وسیعی داشته باشد به نحوی که در بعضی از تحقیقات به عنوان جایگزینی برای مالیات بر درآمد مورد بررسی قرار گرفته است(گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۷۹). مستند مصارف خمس نیز آیه فوق‌الذکر می‌باشد که شش مصرف برای آن شمرده شده که عبارتند از: خدا، پیامبر، ذی‌القربی، یتامی، مساکین و ابن‌سبیل. در آیه لام فقط بر سه مورد آمده و از طرفی سهم خدا در کنار پیامبر و دیگران معنای خاصی دارد. برطبق روایات سهم خدا به پیامبر (ص) و پس از او سهم خدا و پیامبر به امام(ع) می‌رسد. سهم یتامی و مساکین و ابن‌سبیل مخصوص بنی‌هاشم است. مشهور در میان فقهاء این است که خمس به دو قسم کلی تقسیم می‌شود؛ سهم امام که به مصرف امور خیری که مورد رضایت ائمه است می‌رسد و سهم سادات که به نیازمندان بنی‌هاشم اختصاص می‌یابد. در مقابل این رأی، گروهی معتقدند تمام خمس به امام می‌رسد و امام برحسب صلاح‌دید آن را مصرف می‌کند که از مهم‌ترین مصارف آن تأمین هزینه زندگی فقرای بنی‌هاشم است. بنابراین خمس در ملک امام است و فقرای بنی‌هاشم مصرف خمس هستند نه مالک نیمی از آن. پذیرش هر کدام از دو قول مذکور برای دولت بسیار مهم و اساسی است. زیرا در عصر غیبت سهم امام در اختیار فقهای جامع‌الشرایط قرار می‌گیرد و در صورت وجود دولت اسلامی و وجود حاکم شرعی، حاکم می‌تواند از کل خمس یا سهم امام در مورد امور عمومی استفاده کند(رضایی،۱۳۸۹: ۷۹). امروزه سهم عمده خمس از طریق مراجع تقلید صرف هزینه‌های سرمایه‌ای و جاری حوزه‌های علمی می‌شود. هزینه-هائی مثل تأسیس حوزه‌های علمی، ساخت و تعمیر مدارس علمیه، مساجد، بناها و نهادهای دینی، تأمین کالاهای سرمایه‌ای برای آن، تأمین مالی بخشی از هزینه‌های زندگی طلاب و مدرسین حوزه‌های علمیه، تأمین هزینه‌های استخدام نیروی کار برای آن، هزینه‌های تبلیغ دین و مذهب تشیع شامل اعزام

۱- بدانید آنچه را غنیمت بدست آوردید یک پنجم آن برای خدا و برای پیامبر و برای خویشاوندان پیامبر و ایتام و فقراء و در راه ماندگان است.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

مبلّغ، چاپ قرآن و کتب و جزوات دینی اهم آن می‌باشد.

بر اساس مباحث طرح شده می‌توان ملاحظات(محدودیت‌های) فقهی تمرکز(پیاده‌سازی) زکات و خمس را اینگونه بر شمرد: الف) عبادی بودن زکات و خمس؛ ب) اختلاف نظر فقه شیعه و اهل سنت در اموال مشمول زکات و خمس و مصارف هر یک؛ ج) بعضی اختلاف نظرهای فقهاء شیعه در این مورد؛د) شمول زکات بر محصولات زراعی که از پرداخت زکات معافند بلکه تولید آنها با حمایت‌های دولتی همراه است؛ و ه) عدم وجوب پرداخت زکات و خمس به دولت از جانب فقهاء و مراجع تقلید و همچنین عدم حکم حاکم بدین منظور.

۶- ملاحظات تقنینی

از جمله محدودیت‌هائی که باید مورد توجه قرار گیرد محدودیت‌های حوزه قانون‌گذاری است. این محدودیت را می‌توان در دو حوزه مورد مطالعه قرار داد: اول محدودیت‌هائی که به واسطه قانون مالیات‌های موجود در کشور می‌تواند مانع اجراء هر چه بهتر مالیات‌های دینی شود. دوم محدودیت‌هائی است که به واسطه فقدان قانون مالیات‌های دینی می‌تواند اجرای این نوع مالیات‌ها را با مشکل مواجه کند. در بخش اول یعنی محدودیت‌های موجود در قوانین مالیاتی کشور، می‌توان به چند مورد از آن در قانون مالیات‌های مستقیم استناد کرد. در این مجموعهٔ ۲۷۳ ماده‌ای، ارتباطی بین مالیات‌های متعارف و دینی دیده نمی‌شود، حتی مرجعی برای رسیدگی به عدم تعارض مواد آن با قوانین شرع در نظر گرفته نشده است(گرچه مرجعیت عام شورای نگهبان در کلیه قوانین و مصوب مجلس شورای اسلامی وجود دارد) مثلا در ماده ۲۵۲ آمده است: « شورای عالی مالیاتی مرکب است از: بیست و پنج نفر عضو که از بین اشخاص صاحب نظر، مطلع و مجرب در امور حقوقی، اقتصادی، مالی، حسابداری و حسابرسی که دارای حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی یا معادل در رشته های مزکور هستند به پیشنهاد رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور و حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی منصوب می شوند.« وظایف این شورا در چهار بند در ماده ۲۵۵ به شرح زیر آمده است: ۱. تهیه آئین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های مربوط به اجرای این قانون؛ ۲. بررسی و مطالعه به منظور پیشنهاد و اعلام نظر در مورد شیوه اجرای قوانین و مقررات مالیاتی و همچنین پیشنهاد اصلاح و تغییر قوانین و مقررات مالیاتی؛ ۳. اظهارنظر درمورد موضوعات و مسایل مالیاتی که وزیر امور اقتصادی و دارایی یا رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور حسب اقتضاء برای مشورت و اظهارنظر به شورای عالی مالیاتی ارجاع می‌نماید؛ و ۴. رسیدگی به آرای قطعی هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی که از

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

لحاظ عدم رعایت قوانین و مقررات موضوعه یا نقص رسیدگی مورد شکایت مؤدی یا اداره امور مالیاتی واقع شده باشد.» ملاحظه می‌شود که در اهداف این شورا که به نظر عالی‌ترین مقام بررسی قوانین مالیاتی کشور است، انطباق با شرع بودن قوانین مالیاتی کشور، یا حداقل عدم تعارض آن با شرع مورد توجه قرار نگرفته است و حال آنکه در بسیاری از کشورهای اسلامی شوراهای فقهی یا شریعت برای انطباق یا عدم انطباق قوانین مربوطه با شرع در نظر گرفته شده است. همچنین بر اساس ماده ۲۰۲، « وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان امورمالیاتی کشور می‌تواند از خروج بدهکاران مالیاتی که میزان بدهی قطعی آن‌ها از (۱۰) میلیون ریال بیشتر باشد از کشور جلوگیری نماید» و این حکم در مورد مدیران مسئول اشخاص حقوقی خصوصی نیز ساری و جاری است. ملاحظه می‌شود که تعمیم این حکم، سفر واجب حج را نیز شامل می‌شود این در حالی است که به ادله قطعی، هیچکس نمی‌تواند مکلف را از سفر حج باز دارد. مضافاً اینکه اگر میزان بدهی قطعی ۱۰ میلیون ریالی سبب ممنوع‌الخروج شدن فرد و ترک واجب حج شود به هیچ وجه در راستای اهداف کشور اسلامی نیست. مورد سوم این است که در تمام مواد این قانون تنها در بند (ز) ماده ۱۳۹، لفظ « خمس و زکات» آمده است که بر اساس آن « درآمد اشخاص از محل وجوه بریه ولی فقیه، خمس و زکات از پرداخت مالیات معاف است» و این مورد شاید لازم به ذکر نبود زیرا عمدتاً کسانی از این وجوه استفاده می‌کنند که به‌دلیل کمی یا فقدان درآمد، از توانائی مالی برخوردار نبوده و موضوعاً مشمول معافیت مالیاتی نیستند. چهارم اینکه، در بعضی از مقررات سازمان امور مالیاتی مذکور است که اگر کسی زکات و خمس را پرداخت نماید نهادهای مالیاتی آن را جزء هزینه‌های قابل قبول محسوب می‌نمایند. باید توجه داشت که اولاً امروزه زکات تنها بر محصولات کشاورزی واجب می‌شود و در نقطه مقابل بر اساس ماده ۸۱ مالیات‌های مستقیم « درآمد حاصل از کلیه فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری، دامداری، پرورش ماهی و زنبور عسل و پرورش طیور، صیادی و ماهیگیری، نوغان‌داری، احیای مراتع و جنگل‌ها، باغات اشجار از هر قبیل و نخیلات از پرداخت مالیات معاف است» یعنی کسانی مؤدی زکات هستند که از پرداخت مالیات متعارف معافند و کسانی پرداخت کننده مالیاتند که مشمول وجوب پرداخت زکات واجب نیستند(کیاءالحسینی،۱۳۸۱). مگر زکات فطره که مبلغ آن برای هر خانوار آنقدر ناچیز است که ارزش درگیرکردن سازمان‌های مالیاتی برای محاسبه و احتساب آن جزء هزینه‌های تولید را ندارد. تنها پرداخت خمس است که به نظر مؤدیان آن مشمول مالیات بر درآمدند

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

و احتساب پرداخت واجب مالی به عنوان هزینه و هم‌ردیف دانستن آن با هزینه‌هائی که در دو ماده ۱۴۷ و ۱۴۸ آمده قابل تأمل و درنگ است[۱]. مضافاً اینکه این مواد تنها شامل مؤسسات بوده و بر اساس تبصره ذیل آن « مؤسسه عبارت است از کلیه اشخاص حقوقی و همچنین صاحبان مشاغل موضوع بندهای الف و ب ماده ۹۵ این قانون»که دو بند معهود ماده (۹۵) نیز بدین شرح است: « الف) صاحبان مشاغلی که به موجب این قانون مکلف به ثبت فعالیت‌های شغلی خود در دفاتر روزنامه و کلِ موضوع قانون تجارت هستند و باید دفاتر و اسناد و مدارک مربوط را با رعایت اصول و موازین و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری نگاهداری کنند و ب) صاحبان مشاغلی که بر حسب این قانون مکلف به ثبت فعالیت‌های شغلی خود در دفاتر درآمد و هزینه می‌باشند. نمونه‌های دفاتر مذکور توسط سازمان امور مالیاتی کشور تهیه می‌شود و در دسترس قرار می‌گیرد» بنابر این درمی‌یابیم که مشمولین این بند عمدتاً مؤسساتند نه افراد. از طرف دیگر در فقه ثابت شده که خمس یک تکلیف و واجب دینی است و موضوع آن مکلف یا شخصیت حقیقی است نه شخصیت حقوقی. لذا به نظر می‌رسد که فعالان بخش خصوصی بالاخص فعالان خرده‌پا که حجم زیادی از جمعیت شاغل را تشکیل می‌دهند مشمول استثناء محاسبه خمس در هزینه‌های قابل قبول خود نباشند و از طرف دیگر مشمولین این استثناء قانون(مؤسسات)، مؤدیان خمس نمی‌باشند. لازم به ذکر است که بر اساس ماده ۱۷۲ این قانون« صددرصد (۱۰۰٪) وجوهی که به حساب‌های تعیین شده از طرف دولت به منظور بازسازی یا کمک و نظایر آن به‌صورت بلاعوض پرداخت می‌شود و همچنین وجوه پرداختی یا تخصیصی و یا کمک‌های غیرنقدی بلاعوض اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی جهت تعمیر، تجهیز، احداث، یا تکمیل مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی، مراکز بهداشتی و درمانی و یا اردوگاه‌های تربیتی و آسایشگاه‌ها و مراکز بهزیستی وکتابخانه، مراکز فرهنگی و هنری(دولتی) طبق ضوابطی که توسط وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت درمان و آموزش پزشکی و امور اقتصادی و دارایی تعیین می‌شود از درآمد مشمول مالیات عملکرد سال پرداخت منبعی که مؤدی انتخاب خواهد کرد قابل کسر است» ولی این ماده اولاً مقید به حساب‌هائی است که دولت برای امر خیریه تعیین می‌نماید و ثانیاً موارد تعمیر، تجهیز و ... مواردی هستند که تولیت آن بر عهده دولت است. یعنی دولت متکفل بودجه آن است و تأمین بودجه آن توسط مؤدیان مالیاتی یا دولت تفاوت چندانی نمی‌کند و ثالثاً موارد

۱- بالاخص بند (۱۰) ماده ۱۴۸ که به شرح زیر است:" هزینه های فرهنگی و ورزشی و رفاهی کارگران پرداختی به وزارت کار و امور اجتماعی حداکثر معادل ده هزار ریال به ازای هر کارگر."

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

مذکور مصارف اولیه خمس نیستند مگر در موارد ضرورت که فقیه بدان اجازه دهد. مورد دیگر ماده ۱۹۰ این قانون است که تصریح می‌کند « پرداخت مالیات پس از آن موعد موجب تعلق جریمه‌ای معادل ۲/۵٪ مالیات به ازای هر ماه خواهد بود». لازم به ذکر است که تعلق این جریمه اگر مثل جرایم دیرکرد اقساط نظام بانکی باشد که در هنگام دریافت تسهیلات به امضاء دریافت کننده وجه می‌رسد، وجهی برای قبول دارد و الاّ محل تأمل و درنگ است. بنابر این می‌توان ادعاء کرد که در قانون مالیات مستقیم کشور توجه چندانی به مالیات‌های اسلامی منصوص(زکات و خمس) نشده و با نگاه بدان تدوین نشده است و در بعضی موارد از نظر فقهی نیازمند بازنگری است.

جنبه دومِ محدودیت‌های تقنینی، مربوط به محدودیت‌هائی است که به فقدان قانون مالیات‌های دینی برمی‌گردد. متأسفانه با وجود گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی و بیش از چهل سال از تصویب و اجراء قانون زکات در بعضی از کشورهای اسلامی هنوز مجموعه مدونی برای سامان‌دهی این نوع پرداخت‌ها به تصویب نرسیده است. گرچه باید تصریح نمود که منظور از قانون مالیات‌های اسلامی تمرکز این مالیات‌ها در دست نظام اجرائی نیست بلکه منظور مجموعه مدونی به منظور افزایش کارآئی و سامان‌دهی آن در جهت وصول به اهداف تشریع آن توسط نظام تقنینی و اجرائی کشور است. مروری بر قانون زکاتِ کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که این قانون در سودان، عربستان، لیبی، مالزی و یمن اجباری و در اردن، پاکستان،کویت، مصر و بنگلادش اختیاری است(توسلی، ۱۳۸۵؛ کیاالحسینی، ۱۳۸۸).

در این قوانین اموال مشمول زکات معین شده و معافیت‌ها و جرایم عدم پراخت نیز مذکور شد. تنها یک یا دو نهاد یا وزارت‌خانه مسئولیت زکات را به عهده دارند و در عمده این کشورها هزینه سازمان‌های درگیرِ امر زکات به عهده دولت است. هر یک از کشورها روش‌های خاصی را برای توزیع زکات دارند ولی عمده زکات برای امحاء فقر در بین فقراء و مساکین توزیع می‌شود. در اکثر این کشورها انتقال زکات از محل جمع‌آوری شده به جای دیگر مجاز نیست گرچه در بعضی از آنها سهمی از زکات برای توزیع بین نزدیکان مؤدی تعیین شده است. اما فرایند قانون زکات کشور از سال ۱۳۸۳ به صورت طرح زکات شروع شد ولی با وقفه چهار ساله مجدداً در سال ۱۳۸۷ به جریان افتاد که در کمسیون‌های اصلی و فرعی مجلس مورد بحث قرار گرفت و به موازات آن نیز نظرات کارشناسی اقتصاددانان نیز اعلان شد. این قانون تا به‌حال چند بار مورد تصویب مجلس شورای اسلامی قرار گرفته ولی از جانب شورای نگهبان برای اصلاحاتی مجدداً به مجلس ارجاع داده شد. به عنوان مثال شورای نگهبان در مورخه

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

۱۳۸۸/۳/۱۳ مصوبه ۱۳۸۸/۲/۲۰ مجلس را برای پاره‌ای از اصلاحات به مجلس ارجاع داد که پس از دو سال وقفه مجدداً در ۱۳۹۰/۳/۲۹ با حضور نماینده شورای نگهبان اصلاحاتی در طرح اعمال و در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۴ برای شورای نگهبان فرستاده شد که شورا در ۱۳۹۰/۵/۱۵، باز آن را با سه ایراد مواجه دانسته و در نهایت در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در ۱۳۹۰/۸/۱۸ به نظر شورای نگهبان مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد و سپس از جانب مجلس برای اجرا به دولت ابلاغ شد. توجه به مفاد این قانون حاکی از آن است که موضوع آن فقط زکات بوده و شامل خمس نیست. اینکه چگونه مجلس شورای اسلامی به دنبال تصویب قانون واجب مالیی است که مبلغ آن برای اهداف اقتصادی وافی و کافی نبوده و نسبت آن به خمس کمتر از ۰/۱ است، خود موضوع تحقیق مستقلی است. همچنین طی یک فرایند ۶ ساله برای تصویب طرح زکات خود حاکی از درجه اهمیت طرح در نزد مسئولان مربوطه بوده مضافاً اینکه این قانون تنها جنبه تشویقی دارد. به هر حال ذکر این مختصر برای اطلاع از فقدان و محدودیت قانونی در کشور نسبت به این دو واجب مالی کافی است.

با دقت در محدودیت‌های فوق الذکر می‌توان ملاحظات تقنینیِ تمرکز(پیاده‌سازی) مالیات‌های اسلامی را اینگونه بیان نمود: الف) عدم وجود قوانین مالیاتی عام که شامل زکات و خمس نیز باشد؛ ب) عدم عزم جدی نظام قانون‌گذاری کشور برای تدوین قوانینی در مورد مالیات‌های اسلامی؛ ج) کامل نبودن اعضاء شورای عالی مالیاتی کشور در جهت انطباق بیشتر قوانین مصوب با قوانین شرع و در نظر گرفتن مالیات‌های اسلامی؛ د) تصویب قانون زکات با ماهیتی تشویقی و عدم ملاحظه مؤدیان خمس در این رابطه؛ و ه) عبادی بودن خمس و زکات و همچنین خود اظهاری بودن آنها موجب عدم تقارن اطلاعات بین مؤدّیان آن و نهادهای جمع‌آوری‌کننده آن می‌شود.

۷- محدودیت مبلغ وجوه لازم‌الاداء

بی‌تردید مبلغ هر یک از انواع مالیات‌ها در برنامه‌ریزی نظام اجرائی کشور برای سامان‌دهی آن نقشی اساسی دارد. یعنی در فرایند هزینه- فایده مورد مطالعه قرار گرفته و عمدتاً تنها محدود به خالص عایدی مادی(پولی) نیست بلکه بر اساس توابع منافع و مضار اجتماعی مورد سنجش قرار می‌گیرد. این نوع مطالعه در عمده طرح‌های عمومی و دولتی مثل ساخت کالاهای عمومی، برنامه‌های رفاهی، تصویب و اعمال سیاست‌های مالیاتی و سوبسیدی و برخورد با اثرات خارجی مثبت و منفی مورد توجه قرار می-

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

گیرد. گرچه مالیات‌های اسلامی منصوص(زکات و خمس) از امور واجبی هستند که جامعه اسلامی از جمله نظام حاکم بر آن باید در جهت اقامه و هدایت آن به سمت اهداف الهی حمایت‌های لازم را انجام دهد، لکن این هدف نیز با این فرایند تصمیم‌گیری منافاتی ندارد. مثلاً یکی از دغدغه‌های صاحب‌نظران اقتصادی نسبت به طرح زکات کشور برخورداری مناطق پرداخت کننده زکات از مبالغ تشویقی دولتی است که مطابق طرح برابر با مبلغ زکات جمع‌آوری شده است. این نوع تشویق‌ها موجب آمارسازی‌ها و ارائه اطلاعات ناصحیح و غیرواقعی شده که به دلیل معنوی و دینی بودن زکات قدرت دستگاه‌های نظارتی و کنترلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد(مشکلی که در معافیت خمس ارباح مکاسب از پرداخت مالیات نیز وجود دارد). ضمن اینکه ممکن است برخورداری از یارانه پرداختی موجب جمع‌آوری وجوه غیرزکاتی به عنوان زکات شود، مشکلی که طی سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ بوجود آمد. در این سال‌ها تعدادی از مسئولان اجراء طرح زکات در روستاها با جمع‌آوری مبالغ راکد از خانوارها(به عنوان قرض) و تحویل آن به عنوان زکات از یارانه‌های تشویقی برای مصارف عمران و آبادانی روستای خود بهره‌مند شدند(کیاالحسینی، ۱۳۸۸). لکن توجه بیشتر در این بخش به محدود بودن مبلغ ریالی زکات است. مطالعات تجربی نشان می‌دهد که مبلغ بالقوه این واجب مالی در سطح کشور کافی به امحاء فقر غذائی کشور نیست(کیاالحسینی، ۱۳۸۸). در کشورهای دیگر که بر اساس دیدگاه فقه اهل سنت زکات محاسبه و جمع-آوری می‌شود نیز مبالغ زکات قابل توجه نیست. طبق بررسی ایدیت بن غزالی و دیگران در سال ۱۹۸۸ تنها ۸/۳ درصد زکات واجب در مالزی جمع‌آوری شد. از مجموع ۳۶۵/۴۵ میلیون دلار زکات تخمین زده شده فقط ۳۰/۲۳ میلیون دلار جمع‌آوری شده است. منذر قحف نیز زکات جمع‌آوری شده سه کشور عربستان، پاکستان و یمن را در چند سال مختلف آورده و آن را به نسبت تولید ناخالص ملی بررسی کرده است. او نشان داد که در هر سه کشور مقدار زکات جمع‌آوری شده بین ۰/۳ درصد تا ۰/۴ درصد بوده و در مالزی و سودان نیز به همین مقدار است. در حالی که برای رفع فقر در پاکستان مقدار ۴ درصد لازم است یعنی حداکثر مقدار زکات جمع‌آوری شده ۱۰ درصد مقدار لازم است. در کشور مصر، اردن و کویت که پرداخت زکات اختیاری است. مقدار زکات جمع‌آوری شده در سال ۱۹۸۵ طبق برآورد منذر قحف مقدار تقریبی زکات کشورهای مذکور بر اساس دیدگاه سنتی اهل سنت به ترتیب(وجوب زکات در احشام، غلات، طلا و نقره، مسکوک و مال التجاره) ۱ تا ۱/۵ درصد است و بر اساس دیدگاه یوسف قرضاوی که زکات را بر حقوق و بازدهی دارایی‌های حقوقی نیز واجب می‌داند مقدار زکات ۴/۵ تا ۷ درصد می‌شود و بر اساس دیدگاه‌های

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

جدید که تمامی موارد ثروت و درآمد مشمول زکات است مقدار آن ۵/۵ تا ۸ درصد می‌شود، در حالی که مقدار جمع‌آوری شده به میزان ۰/۰۲ درصد، ۰/۰۲ درصد، ۰/۰۸ درصد است(توسلی، ۱۳۸۵).

جدول(۱)- مقایسه برآورد زکات و فقر غذایی کشور در دوره (۷۹-۱۳۷۰) (ارقام به میلیون ریال)

سال	زکات اموال	زکات فطره	مجموع زکات	شکاف فقر غذایی کشور	ما به التفاوت
۱۳۷۰	۱۰۸۳۴۹	۵۵۱۱۶.۹۱	۱۶۳۴۶۵.۹۱	۲۶۴۱۲۳	-۱۰۰۶۵۷.۰۹
۱۳۷۱	۱۳۳۱۸۷	۶۲۵۳۰.۲۱	۱۹۵۷۱۷.۲۱	۴۴۴۱۱۴	-۲۴۸۳۹۶.۷۹
۱۳۷۲	۱۹۶۲۱۱	۸۵۴۶۰.۲	۲۸۱۶۷۱.۲	۶۸۸۳۴۰	-۴۰۶۶۶۸.۸
۱۳۷۳	۲۷۵۹۰۲	۱۰۷۹۷۱.۷	۳۸۳۸۷۳.۷	۷۹۲۷۴۴	-۴۰۸۸۷۰.۳
۱۳۷۵	۴۱۶۱۱۴	۲۳۵۰۹۴.۶	۶۵۱۲۰۸.۶	۱۲۶۱۰۹۶	-۶۰۹۸۸۷.۴
۱۳۷۶	۴۷۶۹۹۹	۲۳۶۱۵۶.۹	۷۱۳۱۵۵.۹	۱۱۸۰۵۰۸	-۴۶۷۳۵۲.۱
۱۳۷۷	۶۹۹۵۶۳	۳۲۲۷۷۴	۱۰۲۲۳۳۷	۱۲۷۲۴۱۳	-۲۵۰۰۷۶
۱۳۷۸	۶۰۰۶۴۲	۳۷۵۹۱۳.۸	۹۷۶۵۵۵.۸	۱۱۸۷۳۱۴	-۲۱۰۷۵۸.۲
۱۳۷۹	۷۴۴۵۱۵	۴۰۷۰۶۹.۸	۱۱۵۱۵۸۴.۸	۱۲۸۲۳۹۳	-۱۳۰۸۰۸.۲

منبع:کیاءالحسینی، ۱۳۸۱

اما مطالعات نشان می‌دهد که مبلغ خمس بالقوه سود فعالیت‌های اقتصادی(ارباح مکاسب) در سطح کشور قابل توجه بوده و می‌توان برای مدیریت بهینه و سامان‌دهی آن و همچنین ارتباط آن با مالیات‌های متعارف گام‌هائی را برداشت و اساساً منظور مردم نیز در بعضی از ابهامات و سؤالات مطرح شده در ارتباط با مالیات‌های اسلامی و متعارف، خمس است نه زکات. زیرا این نوع مالیات اسلامی از نظر پایه مالیاتی، نرخ مالیاتی و معافیت‌های مربوطه بیشترین تشابه را با مالیات‌های متعارف بالاخص مالیات بر درآمد دارد(گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۷۹). کارهای تجربی انجام شده در زمینه برآورد خمس ارباح مکاسب نشان از تفاوت معنی-دار آن با زکات فزونی آن بر مبالغ مالیات بر درآمد دارد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

جدول(۲)- برآورد خمس لازم‌الاداء ارباح مکاسب و مقایسه آن با مالیات بر درآمد
(ارقام به میلیارد ریال)

سال	خمس لازم‌الاداء ارباح مکاسب	مالیات بر درآمد	نسبت خمس به مالیات بر درآمد
۱۳۶۸	۵۷۰.۸۳۶	۲۲۵	۲.۵۴
۱۳۶۹	۵۳۸.۸۷۲	۳۱۲.۱	۱.۷۳
۱۳۷۰	۱۴۳۷.۳۷	۴۸۷.۱	۲.۹۵
۱۳۷۱	۱۵۴۱.۹۶	۵۵۲	۲.۷۹
۱۳۷۲	۲۱۵۳.۰۵	۷۷۳.۵	۲.۷۸
۱۳۷۳	۲۷۹۸.۱۶	۱۱۳۴.۱	۲.۴۷
۱۳۷۴	۳۶۹۹.۰۴	۱۸۸۱.۶	۱.۹۷
۱۳۷۵	۳۰۶۱.۱۷	۳۰۱۰.۳	۱.۰۲
۱۳۷۶	۴۴۴۱.۳۲	۳۵۰۷.۴	۱.۲۷
۱۳۷۷	۵۲۱۵.۴۹	۳۹۳۳.۸	۱.۳۳
۱۳۷۸	۷۸۳۲.۰۴	۵۴۳۷.۵	۱.۴۴
۱۳۷۹	۱۲۹۴۷.۳	۶۹۰۳	۱.۸۸
۱۳۸۰	۱۶۹۵۸.۵	۸۷۹۱.۶	۱.۹۳
۱۳۸۱	۲۴۰۹۰.۳	۸۲۴۷.۶	۲.۹۲
۱۳۸۲	۲۰۷۳۹.۸	۹۰۰۸.۳	۲.۳
۱۳۸۳	۱۴۶۵۸.۹	۱۱۷۷۳.۳	۱.۲۵
۱۳۸۴	۳۶۳۹۵.۸	۱۵۲۵۳.۱	۲.۳۹

منبع: کیاالحسینی، ۱۳۸۷

محاسبات ارائه شده نشان می‌دهد که ارقام خمس ارباح مکاسبِ لازم‌الاداء مبالغی معتنابه و قابل برنامه‌ریزی برای مسئولان مربوطه است. لازم به ذکر است با توجه به اینکه این نوع مالیات‌ها مقید به احکام شرعی است بعید و یا غیرممکن است که برای یک دوره زمانی کوتاه مدت در ارقام آنها نوسانات چشم‌گیری رخ دهد. مباحث این بخش نشان می‌دهد که: الف) بر اساس مبانی فقهی و به دلیل تعمیم پایه خمس نسبت به زکات بنا بر فقه شیعه، مبالغ خمس لازم‌الاداء تفاوت معنی‌داری با مبالغ بالقوه زکات در سطح کشور دارد؛ ب) با وجود این تفاوت معنی‌دار متأسفانه در کشور قانون زکات با ماهیتی کاملاً تشویقی به تصویب رسیده ولی برای هماهنگی خمس پرداختی با مالیات‌های متعارف به منظور تشویق مؤدیان خمس گامی برداشته

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

نشده است؛ ج) با برنامه‌ریزی منسجم مرکب از تقنین قانون و اجرای آن در جهت هماهنگی بیشتر بین پرداخت خمس به روش سنتی و پرداخت مالیات‌های متعارف شاید بتوان با سیاست‌های تشویقی مردم را بیشتر به پرداخت خمس دعوت نمود.

۸- ملاحظات اجرائی و دیوان‌سالاری

تحقیقات فقهی نشان می‌دهد که برای مصارف خمس در زمان حضور امام معصوم (ع) هشت نظریه و برای زمان غیبت بیست نظریه وجود دارد. نوع اول نظریات فقط یک بحث علمی است نه تعیین تکلیف برای امام معصوم(ع) ولی نظریات نوع دوم برای عمل مجتهد و مقلدین اوست. مشهور نظریات متأخرین تقسیم آن به دو قسم سهم امام و سهم سادات است که سهم سادات نیز مطابق احتیاط با نظر فقیه مصرف شود. از نظر اجرائی نیز فقیه جامع‌الشرائط از باب وکالت از امام معصوم(ع)، سهم ایشان را در بهترین جهت کسب رضایتشان که ترویج دین و مذهب حق است هزینه می‌نماید. امروزه تأمین هزینه-های حوزه‌های علمیه – در صفحات قبل به تفصیل ذکر شد – از مهم‌ترین و بارزترین مصادیق آن است. نظام سنتی محاسبه و پرداخت خمس مبتنی بر خوداظهاری و حتی خود محاسبه‌گری و خودپردازی بوده است گرچه در بعضی موارد برای احتساب بعضی از وجوه برّ پرداختی به جای خمس و یا اجازه برای تصرف بخشی از سهم سادات برای اقارب و نزدیکان و یا تصرف بخشی از سهم امام برای مصارف سرمایه‌ای مثل ساخت مسجد و مشابه آن، محاسبه توسط فقیه و یا موکّلین انجام می‌پذیرد، لکن عبادی بودن خمس تضمینی برای انجام صحیح آن است. روایاتی که از معصومین در این باب و محاسبه و دریافت زکات بالاخص از امیرالمؤمنین(ع) وارد شده، بر تقدم این روش دلالت می‌نماید گرچه در دوران پیامبر(ص) و علی (ع) مأمورانی برای اخذ زکات و خراج به اکناف حکومت اسلامی ارسال گشته و نوع دستورالعمل‌ها دلالت بر وجود روش‌های دیگر با صبغه حکومتی برای دریافت حقوق مالی عام می‌نماید. لکن تجارب مالیاتی کشورهای مختلف نشان می‌دهد که نظامات مالیاتی مبتنی بر خوداظهاری در معرض مشکلاتی مثل کم‌گوئی، رشوه و فساد اداری، فاکتورسازی، حساب‌های صوری، حسابرسی‌های غیرواقعی و غیر آن است. لذا این نوع مالیات‌ستانی در موردی کاربرد و کارآئی دارد که اطلاعات نهادها و سازمان‌های مالیاتی از مؤدیان و پایه مالیاتی کامل باشد تا فرار مالیاتی را به حداقل برساند. تنها در این صورت است که می‌توان انتظار فواید این نوع نظام مالیات‌ستانی مثل کاهش هزینه‌ها، سلامت اداری و افزایش اعتماد و عدالت عمودی و افقی را شاهد بود. مضافاً اینکه شرط دیگر

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

کارآمدی این نظام مالیاتی، وحدت رویه و انسجام دستگاه مالیات‌ستانی است. با توجه بـه مطالـب پـیش گفته می‌توان دریافت که گرچه به دلیل عبادی بودن خمس، روش سـنتی دریافـت و توزیـع آن ممکـن است از گزند بعضی از این آسیب‌ها در امان باشد ولی تضمینی برای مصونیت آن از تمـامی آسـیب‌هـا و برخورداری از نتایج مثبت آن وجود ندارد. مضافاً اینکه در صـورت تعـدد مرجعیـت، شـرط وحـدت رویـه مالیات‌ستانی نیز تأمین نخواهد شد. همچنین باید توجه داشت که به دلیل گذشت زمان طـولانی از ایـن نوع مالیات‌ستانی نوعی ساختار سنتی غیرقابل تغییر بر آن حاکم شده که تغییر آن زمان‌بـر خواهـد بـود. نکته چهارم در این رابطه این است که این روش بیشتر شبیه به یک شبکه مالیات‌ستانی داخلـی بـوده و تعمیم آن به عنوان یک سیاست مالی عام مستلزم ملاحظاتی است. آخرین و شاید مهم‌ترین محـدودیت سازمانی خمس، عبادی بودن و تقدس نهادی است که آن را اخذ و توزیع می‌نماید که هر گونه تغییر یـا اصلاح آن از جانب نظام اجرائی مورد پسند نهادهای سنتی دینی قرار نگیرد. عطف به این محـدودیت و مرور تاریخ مرجعیت شیعه نشان می‌دهد که این نهاد علاوه بر اینکـه یـک نهـاد علمـی اسـت، نهـادی اجتماعی– سیاسی نیز می‌باشد که همواره پناهگاهی برای شیعیان بوده و به دلیل استقلال مـالی کـه از طریق خمس برایش تأمین می‌شده توانسته این مسئولیت مهم را به وجهی مناسب انجام دهـد لـذا هـر گونه محدود نمودن این استقلال حتی به صورت کشف اطلاعات مالی آن می‌توانـد در بلنـد مـدت ایـن نهاد که آخرین، مهم‌ترین، قابل اعتمادترین، مردمی‌ترین و مذهبی‌ترین پنـاه‌گـاه و ملجـأ جهـان شـیعه است را تهدید نماید. شاید با تحلیلی اقتصادی از مرجعیت بتوان ادعاء کرد از عصر غیبت به بعد شـیعیان با حمایت مالی از مرجعیت، نوعی از کالاها و خدمات دینی و اجتماعی از جمله انسجام دینی و مکتبـی و برخورداری از امنیت اعتقادی و مذهبی را تقاضا می‌کردند، گرچه این امر خود می‌تواند استقلال مرجعیت را در بعضی از موارد در مقابل مردم مورد تهدید قرار دهد(مطهری، مرجعیـت و روحانیـت). بـه همـین دلیل بود که در اول انقلاب امام خمینی(ره) خواهان حفظ ساختار حوزه بود. لکن امروزه ورود حاکمیت به مدیریت حوزه‌های علمیه از جمله تأمین مالی بخشی از هزینه‌های سرمایه‌ای و تبلیغی و بیمـه طـلاب و حوزه‌های علمیه از بودجه عمومی، سبب شد تا امروزه موضوع حمایت مالی حاکمیت از حوزه‌های علمیـه تبدیل به موضوعی چالش‌برانگیز برای تهدید استقلال آن تبدیل شود. حال اگر خمس به عنوان مالیـاتی رسمی و یا به صورت متمرکز توسط نهادهای دولتی جمع‌آوری و یا توزیع شود، ایـن مشـکل جـدی‌تـر خواهد بود. در مورد تمرکز در جمع‌آوری و توزیع زکات نیز قطعاً نمی‌توان به صورت مالیات‌های متعـارف بدان نگریست زیرا احکام مصارف آن توسط شارع بیان شده است. گرچـه شـاید بتـوان گفـت بعضـی از

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

مصارف آن مثل « مؤلفه القلوب» بیشتر از جانب حاکمیت قابل اجـراء اسـت لکـن توزیـع آن در بـین مصارف هشت‌گانه لازم نیست مضافاً بر اینکه ادلّه مصرف آن برای دو مورد « فقراء و مساکین» را مورد تأکید بیشتری قرار داده است(کیاءالحسینی، ۱۳۸۱). بالاخص اگر از اقارب و نزدیکان باشند. گرچه ایـن را نیز نمی‌توان از نظر دور نگه داشت که حضور مستقیم دولـت در بعضـی از عرصـه‌هـای جمـع‌آوری و توزیع زکات موجب افزایش کارآئی آن می‌شود که در این صورت مـی‌تـوان بـا نگـاهی علمـی، حضـور حاکمیت را مورد مطالعه قرار داد. مواردی مثل ثبت اطلاعات نیازمندان یـا محرومیـت منـاطق مختلـف کشور و ارائه آن به مؤدیان، همچنین ارائه اطلاعـات لازم در مـورد نیـاز منـاطق محـروم بـه کالاهـای سرمایه‌ای یا بناهای مورد نیاز مثل بیمارستان یا مدرسه و غیره از این قبیلند.

بررسی این بخش مقاله که مرکز ثقل آن نیز می‌باشد نشان می‌دهد که برای تمرکز (پیاده‌سازی) مالیـات-های اسلامی این ملاحظات(محدودیت‌های) اجرائی و دیوان‌سالاری باید مـورد توجـه قـرار گیـرد. الـف) استقلال حوزه‌های علمیه؛ ب) مقدس بودن نهاد جمع‌آوری کننده خمس(مرجعیت)؛ ج) قـدیمی بـودن نهادهای سنتی که متکفل جمع‌آوری و توزیع مالیات‌های اسلامی هستند؛ د) اخـتلاف در مـوارد تعلـق و مصارف خمس و زکات با مالیات؛ د) عدم وجود سازوکار مناسب در دستگاه‌هـای اجرائـی؛ ه) پرداخـت مضاعف مالیات از جانب متدینین؛ و) عدم احتساب پرداخت خمس و زکات به عنوان مالیات‌های متعارف از جانب نهادهای دولتی؛ و ز) عدم شایستگی نهادهای اجرائی برای جمع‌آوری و توزیع مالیات‌های دینی بـه دلیل عبادی بودن و خوداظهاری بودن زکات و خمس.

۹- نظر سنجی و پردازش آن

به منظور تحلیلی واقعی‌تر از مباحث نظری و نوعی رتبـه‌بنـدی بهتـر و متکـی بـر تجربـه، از محـدودیت-های(ملاحظات) مذکور تلاش شد تا آنها در قالب سؤالاتی درآمده و برای پاسخ‌گوئی برای محققان و مدرسان و محققان اقتصاد اسلامی که عمدتاً عضو انجمن علمی اقتصاد ایران و انجمن علمی اقتصاد اسـلامی حـوزه علمیه بودند ارسال شد. گرچه مناسب‌تر بود که به منظور یافتن جواب‌های دقیق‌تر از روش دلفی– فازی و یـا تحلیل سلسله مراتبی(AHP) استفاده می‌شد لکن در به کارگیری هر یک از این روش‌ها با محدودیت‌هائی مواجه بودیم. مثلاً در روش دلفی– فازی با محدودیت‌هایی مثل اطلاع دقیق پاسخ‌دهندگان از همـه جوانـب طرح و موضوع به نحوی که به نحو کامل با موضوع مورد بحث درگیر باشند، دسترسی آسان به آنها و تکـرار فرایند پرسش و پاسخ – حداقل چهار مرتبه – برای وصول به جواب نهائی(جعفـری و منتظـر، ۱۳۸۶) مواجـه

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

بودیم. همچنین در روش فرایند تحلیل سلسه مراتبی(AHP) با فراوانی سؤالات مواجه می‌شدیم که موجب ملالت خاطر پاسخ‌گویان می‌شد[۱]. با توجه به مباحث نظری طرح شده، محدودیت‌ها در قالب چهار محور اصلی و ۱۸ محور جزئی (سؤال) احصاء شدکه به شرح زیر است:

الف) ملاحظات فقهی شامل:۱. اختلاف نظر فقه شیعه و اهل سنت در اموال مشمول زکات و خمس و مصارف آنها؛ ۲. اختلاف نظر فقهاء شیعه در اموال مشمول زکات و خمس و مصارف آنها؛ ۳. کم بودن مبلغ زکات در سطح کشور؛ ۴. شمول زکات بر محصولات زراعی که از پرداخت مالیات معافند بلکه تولید آنها با حمایت‌های دولتی همراه است؛ ۵. عدم وجوب پرداخت زکات و خمس به دولت.

ب) ملاحظات اجرائی شامل: ۶. اختلاف در موارد تعلق و مصارف خمس و زکات با مالیات؛ ۷. عدم وجود ساز و کار مناسب در دستگاه‌های اجرائی؛ ۸. پرداخت مضاعف مالیات از جانب متدینین؛ ۹. عدم احتساب پرداخت خمس و زکات به عنوان مالیات‌های متعارف از جانب نهادهای دولتی؛ ۱۰. عدم شایستگی نهادهای اجرائی برای جمع‌آوری و توزیع مالیات‌ای دینی به دلیل عبادی بودن آنها؛ ۱۱. خود اظهاری بودن زکات و خمس؛ ۱۲. مقدس بودن نهاد جمع‌آوری کننده خمس(مرجعیت)؛ و ۱۳. عدم تقارن اطلاعات بین مؤدّیان این‌دو و نهادهای جمع‌آوری‌کننده آن.

ج) ملاحظات تقنینی شامل: ۱۴. عبادی بودن زکات و خمس؛ ۱۵. تشویقی بودن قانون زکات؛ و ۱۶. عدم وجود قوانین مالیاتی عام که شامل زکات و خمس نیز باشد. و در نهایت

د) ملاحظات ساختاری شامل: ۱۷. استقلال حوزه‌های علمیه و ۱۸. قدیمی بودن نهادهای سنتی که متکفل جمع‌آوری و توزیع مالیات‌های اسلامی هستند. لازم به ذکر است که ملاحظات(محدودیت‌ها) محصور به این تعداد نیست لکن می‌توان ادّعاء کرد که اهم ملاحظات باشد.

۱- مثلا در تدوین این مقاله ۱۸ محدودیت احصاء شد که تعداد سؤالات در این روش به ۱۵۳ عددمی‌رسید.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

۱۰- پردازش اطلاعات

از مجموع پرسشنامه‌های ارسالی مجموعاً ۳۸ پاسخ‌نامه دریافت شد که نتایج آن به شرح جدول زیر است:

جدول(۳)- رتبه‌بندی ملاحظات

ردیف	ملاحظه (محدودیت)	ضریب اهمیت
۱	استقلال حوزه‌های علمیه	۸/۲۲
۲	عدم وجود سازوکار مناسب در دستگاه‌های اجرائی	۷/۶۵
۳	عبادی بودن زکات و خمس	۷/۲۷
۴	پرداخت مضاعف مالیات از جانب متدینین	۷/۲۴
۵	عدم وجود قوانین مالیاتی عام که شامل زکات و خمس نیز باشد	۷/۲۲
۶	مقدس بودن نهاد جمع‌آوری کننده خمس(مرجعیت)	۷
۷	خود اظهاری بودن زکات و خمس	۶/۷۳
۸	عدم احتساب پرداخت خمس و زکات به عنوان مالیات‌های متعارف از جانب نهادهای دولتی	۶/۵۹
۹	اختلاف در موارد تعلق و مصارف خمس و زکات با مالیات	۶/۴۶
۱۰	عدم شایستگی نهادهای اجرائی برای جمع‌آوری و توزیع مالیات‌های دینی به دلیل عبادی بودن آنها	۶/۳۵
۱۱	تشویقی بودن قانون زکات	۵/۸۴
۱۲	قدیمی بودن نهادهای سنتی که متکفل جمع‌آوری و توزیع مالیات‌های اسلامی هستند	۵/۷۳
۱۳	کم بودن مبلغ زکات در سطح کشور	۵/۷
۱۳	عدم وجوب پرداخت زکات و خمس به دولت	۵/۷
۱۵	اختلاف نظر فقهاء شیعه در اموال مشمول زکات و خمس و مصارف آنها	۵/۵۷
۱۶	عدم تقارن اطلاعات بین مؤدّیان این‌دو و نهادهای جمع‌آوری‌کننده آن	۴/۹۴
۱۷	شمول زکات بر محصولات زراعی که از پرداخت مالیات معافند بلکه تولید آنها با حمایت‌های دولتی همراه است	۴/۷۶
۱۸	اختلاف نظر فقه شیعه و اهل سنت در اموال مشمول زکات و خمس و مصارف آنها	۴/۵۷

منبع: محاسبات پژوهش

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

ارقام جدول نشان می‌دهد که ملاحظه (محدودیت) فقهی با میانگین اهمیت(۵/۳) کم‌ترین اهمیت را داراست و در نقطه مقابل محدودیت‌های ساختاری شامل استقلال حوزه‌های علمیه، قدیمی بودن نهادهای سنتی که متکفل جمع‌آوری و توزیع مالیات‌های اسلامی هستند، با میانگین(۷/۱) از بالاترین درجه اهمیت برخوردارند. دو محدودیت دیگر یعنی محدودیت‌های اجرائی و تقنینی مشترکاً با میانگین(۶/۷) در رتبه سوم قرار دارند. تحلیل‌های جزئی نشان از این دارد که استقلال حوزه‌های علمیه با میانگین(۸/۲۲) دارای رتبه اول است و بعد از آن عدم وجود ساز و کار مناسب در دستگاه‌های اجرائی با میانگین (۷/۶۵) ، عبادی بودن زکات و خمس با ضریب (۷/۲۷) ، پرداخت مضاعف مالیات از جانب متدینین با میانگین (۷/۲۴) ، عدم وجود قوانین مالیاتی عام که شامل زکات و خمس نیز باشد با میانگین (۷/۲۲)، مقدس بودن نهاد جمع‌آوری کننده خمس(مرجعیت) با ضریب اهمیت(۷)، خود اظهاری بودن زکات و خمس (۶/۷۳) ، عدم احتساب پرداخت خمس و زکات به عنوان مالیات‌های متعارف از جانب نهادهای دولتی با میانگین (۶/۵۹)، اختلاف در موارد تعلق و مصارف خمس و زکات با مالیات (۶/۴۶) و عدم شایستگی نهادهای اجرائی برای جمع‌آوری و توزیع مالیات‌های دینی به دلیل عبادی بودن آنها با میانگین (۶/۳۵) در رتبه‌های دوم تا دهم قرار دارند. بنابر این، با توجه به بندهای اول تا هفتم می‌توان اظهار نظر کرد که فعلاً زمینه مناسبی برای تمرکز به معنی جمع‌آوری و توزیع زکات و خمس (بالاخص خمس) توسط نهادهای دولتی وجود ندارد. ملاحظات یازدهم تا هجدهم نیز حاکی از این است که محدودیت‌ها یا ملاحظات فقهی، گرچه شاید از درجه اهمیت مطلق برخوردار باشند ولی از درجه اهمیت نسبی پائین‌تری نسبت به بقیه برخوردارند. همچنین بندهای دوم، چهارم، پنجم و هشتم دلالت بر این دارد که قوانین منسجم در این زمینه در کشور وجود ندارد و به تبع آن، سازمان‌ها و نهادهای مالیاتی نیز با توجه به ساختار فعلی نمی‌توانند در این مسئولیت از موفقیت برخوردار باشند. بندهای سوم، چهارم، ششم و هفتم حاکی از آن است که قوانین مصوب در این زمینه می‌بایست بیشتر به طرف پیوند مناسب‌تر با مالیات‌های دینی و سامان‌دهی مالیات‌های پرداختی، جستجوی ساز و کار مناسب برای احتساب خمس پرداختی به عنوان مالیات هدایت شوند.

۱۱- نتیجه‌گیری

مروری بر تارخ صدر اسلام نشان می‌دهد مردم حقوق مالی مختلفی را پرداخت می‌کردند که به حسب نقش دولت یا مردم در جمع‌آوری و توزیع متفاوت بود. حقوقی که مردم در آن نقش بیشتری داشتند(مثل زکات و خمس) و در هر شرایطی بر مردم واجب بود امروزه نیز بر آنها واجب است ولی بعضی از حقوق مالی که دولت

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

آن زمان متکفل آن بود(مثل خراج و جزیه) در زمان حاضر کاربردی ندارد. از طرف دیگر مسلمانان در زمان حاضر ملزم به پرداخت دو نوع حقوق مالی هستند هم حقوقی که از جانب دین بر آنها واجب شده و هم حقوقی که به عنوان شهروند به صورت مالیات پرداخت می‌کنند. از آنجا در صدر اول هم مالیات منصوص (خمس و زکات) و هم مالیات‌های غیرمنصوص –که خراج یکی از آنها است– اخذ می‌شد می‌توان نتیجه‌گیری کرد که رابطه این دو نوع مالیات با همدیگر رابطه جانشینی نبوده بلکه ارتباط آنها با همدیگر مکملی است و هر کدام از آنها به حسب اهداف و شرایط، اخذ و مصرف می‌شدند. بنابر این رابطه این دو مالیات از نظر اجرائی در هر زمان به نوعی مدیریت شود که نتیجه مطلوب از فرایند مالیات‌ستانی حاصل شود. گذشن زمان و تغییر ماهیت و کم رنگ شدن مشروعیت نظام‌های سیاسی در جوامع اسلامی سبب تغییر در احکام و سازمان‌دهی مالیات‌های اسلامی شد به نحوی که در اموال مشمول زکات و خمس، نحوه جمع‌آوری و توزیع آن اختلاف نظرهائی بین مذاهب اسلامی بوجود آمد. با تحولات همه جانبه‌ای که امروزه در کشورهای اسلامی بوجود آمده پیوند بین آموزه‌های دینی و نظامات سیاسی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر این کشورها، از جمله ضروریات عصر حاضر است که بانک‌داری بدون ربا، مالیات‌های اسلامی، ابزارهای مالی اسلامی و بازار اسلامی از مواردی هستند که در حوزه اقتصاد از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. به دلیل وجود ملاحظات و محدودیت‌ها، سامان‌دهی این موارد و اجرائی نمودن آنها قطعاً می‌بایست با در نظر گرفتن این ملاحظات انجام پذیرد. عمده این ملاحظات در قالب چهار محور کلی و هجده محور جزئی احصاء شده و بعد از تحلیل محورهای فوق‌الذکر برای کشف وزن هر یک و وصول به پیشنهادهائی متکی بر خردِ جمعی و نظرات کارشناسی، در قالب پرسشنامه برای تعدادی از مدرسان و محققان اقتصاد اسلامی ارسال شد. نتایج حاکی از این است که محدودیت‌های فقهی از کم‌ترین درجه اهمیت و استقلال حوزه‌های علمیه از بالاترین درجه اهمیت برخوردار است. عدم وجود قوانین منسجم در جهت پیوند بین قوانین مالیاتی کشور و مالیات‌های اسلامی و عدم ساختار مناسب از مهم‌ترین ملاحظات برای اجرائی نمودن مالیاهای اسلامی است. همچنین تمرکز مالیات‌های اسلامی– بالاخص خمس– در اختیار نظام اجرائی کشور هم استقلال حوزه‌های علمیه را تهدید می‌کند و هم با ملاحظات و محدودیت‌هایی مثل عدم وجود ساز و کار مناسب در دستگاه‌های اجرائی، عدم وجود قوانین مالیاتی عام که شامل زکات و خمس نیز باشد، عبادی بودن خمس و زکات، پرداخت مضاعف مالیات از جانب متدینین، مقدس بودن نهاد جمع‌آوری کننده خمس(مرجعیت)، خود اظهاری بودن زکات و خمس، عدم احتساب پرداخت خمس و زکات به عنوان مالیات‌های متعارف از جانب نهادهای دولتی،

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

اختلاف در موارد تعلق و مصارف خمس و زکات با مالیات و عدم شایستگی نهادهای اجرائی برای جمع‌آوری و توزیع مالیات‌های دینی به دلیل عبادی بودن آنها مواجه است.

لذا پیشنهاد مقاله این است که سازمان‌ها و نهادهای رسمی کشور در جهت سازمان‌دهی مالیات‌های اسلامی به دلیل تصویب قانون زکات و کم بودن مبلغ آن و همچنین شمول زکات بر محصولات زراعی که از پرداخت زکات معافند بلکه تولید آنها با حمایت‌های دولتی همراه است، زکات را از این مهم استثناء نموده و خمس را به دلیل ارقام قابل توجه آن و تشابه آن به مالیات بر درآمد مورد توجه قرار دهند. در این راستا باید قوانین مالیات بر درآمد کشور با نگاه به خمس ارباح مکاسب بازنگری شده و برای حفظ استقلال حوزه‌های علمیه و مرجعیت شیعه نگاه به خمس و تدوین قانون خمس نگاهی تشویقی و احتساب آن به عنوان بخشی از مالیات بر درآمد باشد. تا اهدافی مثل عبادی بودن زکات و خمس، پرداخت مضاعف مالیات از جانب متدینین، مقدس بودن نهاد جمع‌آوری کننده خمس(مرجعیت)، خود اظهاری بودن زکات و خمس و عدم احتساب پرداخت خمس و زکات به عنوان مالیات‌های متعارف از جانب نهادهای دولتی تأمین شود.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

فهرست منابع

۱- قرآن کریم.

۲- ابن ابی الحدید(۱۳۸۵ق.)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم،۲۰ جلد، الطبعة الثانیة، القاهره، دارالاحیاء الکتب العربیة، قم منشورات مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

۳- ابن قدامة، موفق الدین ابومحمد عبدالله، المغنی و یلیه الشرح الکبیر لابن قدامة المقدسی، ۱۲ جلد، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی‌تا.

۴- ابوداود، سلیمان بن الاشعث السجستانی(۱۴۰۹ق)، سنن ابی داود، ۲جلد، الطبعة الاولی، بیروت، دارالجنان.

۵- الامینی، عبدالحسین احمد(۱۳۶۶ش.)، الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب، ۱۱ جلد، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۶- الانصاری، الشیخ مرتضی، کتاب الزکاة، قم، کنگره شیخ انصاری.

۷- البخاری، محمد بن اسماعیل(۱۴۰۷ق.)، صحیح البخاری،شرح و تحقیق قاسم الشماعی الرفاعی، ۹جزء (۴جلد)، الطبعة الاولی، بیروت، دارالقلم.

۸- الجزیری، عبدالرحمن(۱۴۰۶ق.)، الفقه علی المذاهب الاربعة، ۵ جلد، الطبعة السابعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۹- الحر العاملی، الشیخ محمد بن الحسن(۱۴۰۳ق)، وسائل الشیعة، ۲۰ جلد، تصحیح عبدالرحیم الربانی الشیرازی، مکتبة الاسلامیه.

۱۰- الحرانی، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبة(۱۳۶۳ش)، تحف العقول عن آل الرسول، تصحیح علی اکبر الغفاری، الطبعة الثانیه، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.

۱۱- الحکیمی، محمد رضا، الحکیمی محمد، الحکیمی علی(۱۴۰۶ق.)، الحیاة، ۶ جلد، الطبعة الاولی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۲- الخزنة الکاتبی، غیداء(۱۹۹۴م)، الخراج منذ الفتح‌الاسلامی حتی اواسط القرن الثالث الهجری، بیروت، مرکز دراسات الوحدة العربیه.

۱۳- الدجیلی، خولة شاکر، بیت‌المال پیدایش و تحولات آن، ترجمه سید محمدصادق عارف، فصل

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

اول و دوم و چهارم.
۱۴- الرضی، الشریف ابوالحسن محمد(۱۳۷۴ ش.)، نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۱۵- الرضی، الشریف ابوالحسن محمد(۱۳۹۵ ق.)، نهج‌البلاغه، تحقیق صبحی الصالح، قم، مرکز البحوث الاسلامیه.
۱۶- صدر، السید محمدباقر(۱۴۱۷)، اقتصادنا، الطبعة الاولی، قم، مکتب الإعلام الاسلامی.
۱۷- الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی(۱۳۸۵ق.) ، علل الشرایع،۲ جلد، النجف الاشرف، داراحیاء التراث العربی.
۱۸- الطباطبائی، السید محمد حسین(۱۳۹۴ق.) ، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، الطبعة الثانیه، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۱۹- الطباطبایی الیزدی، سیّدمحمدکاظم(۱۴۲۰ق.) ، العروة الوثقی مع تعلیقات عدة من الفقهاء العظام، ۶جلد، الطبعة الاولی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
۲۰- الطبرسی، ابوعلی، الفضل بن حسن(۱۳۸۰ق.)، مجمع البیان، ۵جلد (۱۰ جزء)کتابفروشی اسلامیه.
۲۱- الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن(۱۳۹۳ق.) ، المبسوط، ۸ جلد،تهران، المکتبة المرتضویه.
۲۲- القرضاوی، یوسف(۱۴۱۷ ق.) ، دور الزکاة فی علاج المشکلات الاقتصادیة، اقتصادیات الزکاه تحریر منذر قحف، جده، المعهد الاسلامی للبحوث و التدریب، البنک الاسلامی للتنمیه.
۲۳- الکلینی، محمد بن یعقوب(۱۳۶۲ش.) ، الکافی، تصحیح علی اکبر الغفاری، ۸ جلد، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۴- الماوردی، ابوالحسن علی بن محمد(۱۴۰۶ق.) ، الاحکام السلطانیة، قم، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الثانیه.
۲۵- المجلسی، محمد باقر(۱۳۷۵ش)، بحار الانوار،۱۱۰ جلد، تهران، المکتبة الاسلامیه.
۲۶- المغنیه، محمد جواد، فقه الامام جعفر الصادق(علیه السلام)، ۶جلد، بیروت، دارالتعارف.
۲۷- المفید، ابو عبدالله، محمدبن محمد بن النعمان العکبری البغدادی(۱۴۱۰ق.) ، المقنعة، الطبعة الثانیة، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
۲۸- المنتظری، حسینعلی، کتاب الزکاة، ۴جلد، الطبعة الاولی، ج۱و۲، قم، مرکز النشر، مکتب

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴و۱۴۰۶ ق و ج۳ و۴، نشر تفکر، ۱۴۱۳ق.
۲۹–ـــــــــــــ ، کتاب الخمس و الانفال، قم، مؤسسهٔ النشر الاسلامی، بی‌تا.
۳۰–ـــــــــــــ ، دراسات فی ولایهٔ الفقیه و فقه الدولهٔ الاسلامیهٔ، ۴ جلد، چاپ اول، ج ۱و۲، قم، المرکز العالمی للدراسات الاسلامی ۱۴۰۸ و ج۳ و ۴، قم، دارالفکر، ۱۴۱۱ق.
۳۱– الموسوی الخمینی، السید روح الله (امام)، کتاب البیع، ۵ جلد، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
۳۲–ـــــــــــــ ، تحریر الوسیله، ۲جلد، النجف الاشرف، مطبعهٔ الآداب.
۳۳– النجفی، محمد حسن(۱۳۶۵ش.)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۴۳جلد، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۴– النوری، میرزا حسین(۱۴۰۸ق.)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۸ جلد، الطبعهٔ الاولی، قم، مؤسسهٔ آل‌بیت(علیهم‌السلام) لاحیاء التراث.
۳۵– الهندی، علاءالدین علی المتقی بن حسام‌الدین(۱۴۰۹ق.)، کنز العمال، ۱۶ جلد، بیروت، مؤسسهٔ الرساله.
۳۶– آذری قمی، احمد(۱۳۶۹ش.)، زمین و متعلقات آن، «مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی» زیر نظر واعظزاده خراسانی، ج۲، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۷– اسماعیلی، اسماعیل(۱۳۷۴)، موارد وجوب خمس و زکات، مجله «فقه کاوشی نو در فقه اسلامی» سال اول، شماره سوم، بهار.
۳۸– امام خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، ۲۳ جلد، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۳۹– بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم(۱۳۸۱ش.)، ربا، چاپ اول، قم، مؤسسه بوستان کتاب قم انتشارت دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۰– پژویان، جمشید(۱۳۷۲)، اقتصاد بخش عمومی، ج۱، تهران، جهاد دانشگاهی، و ج۲، تهران، مؤسسه تحقیقاتی اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳.
۴۱– پور مقیم، سیدجواد(۱۳۸۲)، اقتصاد بخش عمومی، ویراست دوم، چاپ ششم، تهران، نشر نی.
۴۲– تفضلی، فریدون(۱۳۷۲)، تاریخ عقاید اقتصادی، تهران، نشرنی.
۴۳– توسلی، اسماعیل(۱۳۸۵)، امکان‌سنجی اجرای زکات در ایران(با بهره گیری از تجربیات کشورهای اسلامی)، چاپ اول، تهران، ستاد اقامهٔ نماز.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

۴۴- جعفری صمیمی، احمد(۱۳۷۱)، اقتصاد بخش عمومی، تهران، سمت.
۴۵- جعفری، محمدتقی(۱۳۶۰)، منابع فقه، تهران، نور.
۴۶- جعفری، نیلوفر و غلام‌علی منتظر(۱۳۸۶)، استفاده از روش دلفی فازی برای تعیین سیاست-های مالیاتی کشور. پژوهش‌های اقتصادی.
۴۷- جوادی آملی، عبدالله(۱۳۷۹)، مالیات‌های حکومتی از دیدگاه فقه، « نظام مالی اسلام»، (مجموعه مقالات) به اهتمام احمد علی یوسفی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ واندیشه اسلامی.
۴۸- جیروند، عبدالله(۱۳۶۸)، برداشتی از مالیه عمومی جدید، تهران، انتشارت مولوی.
۴۹- حسینی، سیّدرضا(۱۳۸۰)، بیت‌المال، دانشنامه امام علی(ع)، ج۷، زیر نظر علی‌اکبر رشاد، تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۰- خامنه‌ای، سیدمحمد(۱۳۷۱)، اقطاع و حقوق تقسیم اراضی دولتی، تهران، انتشارات کیهان.
۵۱- دادگر(۱۳۸۰)، اقتصاد بخش عمومی، چاپ اول، قم، دانشگاه مفید.
۵۲- درخشان، مسعود(۱۳۷۴)، ملاحظاتی در مفاهیم و نقش مالیات در اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۱ و ۲.
۵۳- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه(۱۳۷۱)، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت.
۵۴- رضایی، مجید(۱۳۸۳)، حیای نظام خراج در واگذاری مدیریت شرکت‌های دولتی به خصوصی فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره۱۵، زمستان.
۵۵- ریس، ضیاءالدین(۱۳۷۳)، خراج و نظام‌های مالی دولت‌های اسلامی از آغاز تا نیمهٔ دوم قرن سوم، اکبری، فتحعلی، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان.
۵۶- زرّاءنژاد، منصور(۱۳۶۹)، ماهیت حقوقی خراج در اسلام، «مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی»، زیرنظر واعظزاده خراسانی، ج ۲، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۵۷- صدر، سیدکاظم(۱۳۷۴)، اقتصاد صدر اسلام، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۵۸- قائنی، محمد(۱۳۸۵)، زکات پول های رایج و اشیای نو پیدا ،ترجمه محمد قناد معتمدی ،تنظیم محمد مهدی کریمی نیا، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
کیاء الحسینی، سید ضیاءالدین و اسماعیل ملکش(۱۳۸۱)، نقش زکات در امحاء فقر غذایی کشور

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

(مطالعه موردی ۷۹-۱۳۷۰) قم، دانشگاه مفید.

۶۰- کیاء الحسینی، سید ضیاءالدین(۱۳۸۴)، اصول حاکم بر مالیات‌ها در نظام اقتصادی اسلام مستفاد از مالیات‌های منصوص زکات و خمس،« مجموعه مقالات چهارمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی»، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

۶۱- کیاء الحسینی، سید ضیاءالدین(۱۳۸۸)، مطالعه تطبیقی قانون زکات کشور با بعضی از کشورهای اسلامی، « مجموعه مقالات دومین همایش مالیاتهای اسلامی»، قم، دانشگاه مفید.

۶۲- کیاء الحسینی، سید ضیاءالدین(۱۳۸۷)، تأثیر خمس ارباح مکاسب بر توزیع درآمد مطالعه موردی ۱۳۸۴-۱۳۶۵، « مجموعه مقالات اولین همایش مالیاتهای اسلامی»، قم، دانشگاه مفید.

۶۳-ـــــــــــــــــ (۱۳۷۷)، زکات در قرآن و برآورد تابع آن در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه مفید.

۶۴- ـــــــــــــــــ و علی باقری(۱۳۸۰)، تأمین اجتماعی در ایران با تکیه بر منابع مالی اسلامی، قم، دانشگاه مفید.

۶۵- گیلک حکیم آبادی، محمدتقی(۱۳۷۹)، امکان جایگزینی مالیات بر در آمد با خمس و تبیین آثار آن بر برخی متغیرهای اقتصاد کلان، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد.

۶۶- لشکری، علیرضا(۱۳۸۰)، نظام مالیاتی اسلام، چاپ اول، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی.

۶۷- مؤمن، محمد(۱۳۶۹)، مالکیت عمومی و اقسام آن، «مجموعه مقالات اولین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی،» زیرنظر واعظزاده خراسانی، ج۲، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۶۸- ماسگریو، ریچارد ا، ماسگریو، پگی(۱۳۷۲)، ب، مالیه عمومی در تئوری و عمل، ترجمه مسعود محمدی و یدالله ابراهیمی‌فر، ۲جلد، تهران، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی اجتماعی و انتشارات، ش.

۶۹- مدرسی طباطبایی، حسین(۱۳۶۲)، زمین در فقه اسلامی، ۲ جلد، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۷۰- مطهری، مرتضی(۱۳۵۴)، سیری در نهج البلاغه، قم، انتشارات صدرا.

۷۱- ـــــــــــ(۱۳۶۲) ، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

۷۲- نظری، حسن آقا و محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی(۱۳۸۲)، نگرشی علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی، چاپ اول، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و تهران، پژوهشکده امور اقتصادی.
۷۳- نمازی، حسین(۱۳۸۲)، نظام‌های اقتصادی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۷۴- نوری کرمانی، محمد امیر(۱۳۸۲)، خمس از نظریه تا عمل، «مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی»، تهران، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
۷۵- یوسفی، احمد علی(گردآورنده)(۱۳۷۹)، نظام مالی اسلام، تهران، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷۶- رضایی، مجید، سعید فراهانی، علی معصومی نیا(۱۳۷۹)، نظام مالی دولتهای مسلمان از ظهور اسلام تا قرن چهارم هجری، نظام مالی اسلام(مجموعه مقالات) به اهتمام احمد علی یوسفی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]